

ترامپ درس بزرگی  
به ایرانیان داد که  
بدون دلیل دنبال  
هر کسی نیستند

# پیـداری

ماهنامه ی شماره ی ۱۵۳ کانون خردمداری ایرانیان  
سال ۲۵ - اردیبهشت ماه ۲۵۸۴ ایرانی - ۱۴۰۴ عربی

پرزیدنت ترامپ با  
کوشش پی گیر به  
جای ملت ایران،  
آخوندها را نجات داد

## دو حکومت نامتعادل «در ایران و آمریکا»، جهان را به تمسخر گرفته اند

### چه کلاه بزرگی سر مردم ایران رفت

پرزیدنت ترامپ گفت، از این پس خلیج فارس را خلیج عربی می نامم!!

محمد - یک تسویه حساب (۳)

مانده از شماره پیش

نویسنده عرب - حامد عبدالصمد دانشمند مصری

محمد حتا در لباس سردار جنگ هم کودکی بیش نبود. حساس بود و به شکلی بیمارگونه دور از جمع. او مایوس دائمی از دنیا بود، پس باید دنیایی جدید را برای خود می ساخت.

مانده در رویه ۳

محمد چه به عنوان چوپان، چه تاجر، چه واعظ یا

سیاوش لشگری

ازدواج نامیمون

این آقای دونالد ترامپ رئیس جمهور عشقی ما که باید، نامش به هر قیمتی شده هر روز در راس اخبار باشد علاقه عجیبی به آقا سید علی روضه خوان سابق و رهبر امروز جمهوری اسلامی ایران دارد، در حقیقت عاشق اوست و از سال ها پیش که پایش به سیاست مانده در رویه ۲

## ازدواج نامیمون

مانده از رویه نخست

رسید شروع کرد به نوشتن نامه های عاشقانه به او، ولی این سید علی رهبر شیعیان جهان دیگر آن سید علی گدای روضه خوان دور حرم رضا در مشهد نیست، او همان گدای معتبر شده ای است که شاعر در وصفش سروده، یارب روا مدار گدا معتبر شود، گر معتبر شود ز خودش بی خبر شود.

نخستین نامه پرزیدنت ترامپ وقتی به معشوق فرستاده شد که در دور اول پیروزی اش در انتخابات ریاست جمهوری بود که باشکست هیلاری کلینتون دمکرات بدست آمد. نامه های اولیه مخفیانه فرستاده می شد ولی سید علی اوائل فکر می کرد دستش انداخته اند، محلی به نامه های رسیده نمی گذاشت. تا اینکه شش هفته سال پیش آقای ترامپ دست به دامن نخست وزیر ژاپن شد که سر راه به حساب من یک شب در تهران اتراق کنید و بمانید ضمناً این نامه را هم خصوصی خودتان بدید دست رهبر شیعیان جهان، محبت شما را فراموش نخواهم کرد. روز دوازدهم خرداد ۱۳۹۸ برابر سال ۲۰۱۹ نامه رسمی فدایت شوم توسط نخست وزیر ژاپن به دست خود آقاسید علی داده شد. آقاسید علی اول فکر کرد داخل نامه پول است با همان دست راستش که ظاهراً! کار نمی کند چنان سریع نامه را باز کرد که تا چشمش به امضای آشنای پرزیدنت ترامپ افتاد آن را بست و پس داد به نخست وزیر ژاپن که فکر می کرد الان آیت الله یک قطعه قالی ابریشم تبریز به پاداش زحمات او مرحمت خواهد کرد، که نخست وزیر ژاپن با لب و لوجه آویزان از آمدنش به ایران پیشیمان، دمش را گذاشت روی کولش و همان روز راهی ژاپن شد. پس از این نامه های آقای ترامپ توسط هر کس که راهی تهران بود برای آشتی با سید علی روانه می شد، بیشتر نامه برها از شیوخ کشورهای عربی مجاور خلیج فارس بودند ولی سخنان نرم پرزیدنت آمریکایی در دل سنگ رهبر جمهوری اسلامی اثر نمی کرد تا اخیراً که اوضاع اقتصاد به وضعیت اقتصاد مال خر است رسیده و در کشور مردم نه برق دارند نه آب، و نه نان دارند نه دارو، دلار هم رمقی برای مردم باقی نگذاشته، تیر به هدف خورد و آقاسید علی از سر بدبختی و ناچاری جواب آری داد که در جشن آشتی کنان حاضر به شرکت است. آقای پرزیدنت ترامپ ما هم از سر شوق این خبر که سال ها برایش زحمت کشیده بود هول شد و گفت اشکالی ندارد صنعت هسته ای را هم می توانند داشته باشند به شرطی که نیامندی های فنی اش را از ما بخرند، موشک هایشان را هم داشته باشند هیچ اشکالی ندارد. این ها که هیچ، من از این پس نام خلیج فارس را هم برایشان خلیج عربی می کنم، مگر علامت روی پرچم شان عربی نیست، مگر نام نود در صد مردمش عربی نیست، مگر کتاب دینی شان عربی نیست، از همه جالب تر مگر اجداد رهبر و بیشتر آخوندها از عرب های

لبنان و نجف و کربلا نیستند، مگر این ملت عاشق امام حسین عرب، امام علی عرب، پیامبر عرب و تک تک فرزندان و نوه های عرب آن ها نیستند، مگر در هر ده کوره و شهرک و شهر و بالای کوه و ته هر دره ای پرچم سبز امام زاده ای دل ایرانیان را به شوق رفتن خانه ی خدای عرب شاد نمی کند و هر سال کیلومتر ها پای پیاده راهی کرب و بلا نمی شوند. اگر بخواهند من نام ایران را هم برایشان عوض می کنم به لبنان که ریشه آخوندها از آن جاست. به این ترتیب در عرض چند هفته مستر ترامپ هر آنچه را که نتانیاهاو بافته بود رشته و پنبه کرد. و به مبارکی بزودی سر و کله حماس پیدا می شود، پسر نصراله در لبنان سر بلند می کند، دزدان دریایی به دریا برمی گردند و همه چیز خوب مانند قدیم می شود. مگر نتانیاهاو چند سال دیگر زنده می ماند فوقش او را هم بازنشسته می کنیم و تمام. به من و آقاسید علی هم به شراکت جایزه صلح نوبل را خواهند داد، کی به کیه. اسرائیلی ها را هم می سپارم دست خدا، خدا هم آن ها را می سپارد دست فلسطینی ها، پروژه تمام!

نشریه اکومونیست به نقل از یک مقام رسمی گفته است که دونالد ترامپ در نامه ای که به رهبر ایران نوشته بود وی را به فارسی «عزیزم» خطاب کرده است! کدام ایرانی بی سوادی در کاخ سفید از دستیاران رئیس جمهور آمریکا شده است که واژه «عزیزم» را که به خانم ها گفته می شود نه به مردان به زبان بسته ی رئیس جمهور گذاشته است. همه باور دارند سیاست چیز کثیفی است. ولی نمی دانستیم به این کثیفی است که می بینیم.

**جماعتی که طی ۱۴۰۰ سال فقط**

**یک کتاب «قرآن» دارند.**

**روزگار بهتری از روزگار**

**امروزشان نباید داشته باشند.**

**مسلمان ها هر چه هم که دارند**

**از صدقه سر نخواندن و**

**نفهمیدن مطالب قرآن است!**

## محمد - یک تسویه حساب

مانده از رویه ی نخست

فرماندهی جنگ، همیشه به دنبال گریز و یا پناهگاهی دیگر بود. گاه به خدیجه پناه می برد، گاه به کتاب قرآن، گاه به مردان دین دار و گاهی به معشوقه های زن. اما دست آخر میدان جنگ و کشتار تنها مامن او می شد. او وقتی می دید جهان با کلام متقاعد نمی شود دست به شمشیر می برد.

محمد ۱۴۰۰ سال پیش از دنیا رفت، اما او برای همیشه به خاک سپرده نشد، بلکه کلامی را از خود به جای گذاشت که بسیار قوی تر از شمشیر است. بزرگترین مجموعه قوانین را در تاریخ (برای مردمانی بدوی و نیمه وحشی که در اطراف خودش می زیستند) و اکناف جهان که ندیده بدون ذره ای تفکر عاشق اوشدند برقرار کرد، که روزمرگی مسلمانان را هم چنان تعیین می کند.

سوره های اخلاقی و اجتماعی، او (برای آن زمان) در دوران مکه برای میلیون ها عرب الهام بخش اند. این سوره ها به آن ها التیام و تسلی می بخشید. هم چنان که رفتار ناسازگارانه و جنگ های دوران مدینه، سرمشقی برای بسیاری از مردم هستند (حتا امروز) به معنایی بهتر، رگه های شخصیت اش را که می توان آن را در کل بیمار نامید، به بسیاری از مسلمانان منتقل کرد. از جمله توهیم ابر قدرت بودن و جنون بزرگ بینی، پارانویا و جنون تحت تعقیب بودن، امروز بیشترین بزرگداشت در حق محمد این است که او را همان انسانی نشان دهیم که واقعاً بود.

وی را با تمام تاثیراتش به همان زمان واگذار کنیم که به آن تعلق داشت (زمان وحشت در زندگی اعراب بدوی). به بیانی دیگر او را در همان جایی به خاک بسپاریم که به آن جا تعلق داشت.

بهترین اتفاق خوب برای مسلمانان این است که بر ابر قدرتی محمد غلبه کنند. کسی که علیه آن مقاومت ورزد، خواسته یا ناخواسته باز پیچه ی دست اسلامیست ها و تروریست هایی می شود که با نام محمد می کشند و ویران می کنند.

برای این که به انگیزه نوشته شدن زندگی نامه (واقعی) محمد پی ببریم لازم است که تاریخ را از آخر بخوانیم.

مرگ ناگهانی پیامبر، پرسش های بسیاری را مطرح ساخت که بسیاری از متخصصان الهیات ترجیحاً از پاسخ دادن به آن طفره می روند. در مورد شیوه ی مردن وی نظرات متفاوتی وجود دارد، دعوای سنی ها و شیعه ها برای در دست گرفتن قدرت بعد از مرگ وی، این تفاوت را اثبات می کند.

در مجموعه احادیث رسمی اثر «بخاری» می خوانیم که محمد با تب شدید در بستر خوابیده و ادعا می کند که زنی یهودی به او گوشت مسموم گوسفند داده است.

بقیه در شماره بعد

منتسب به محمد جواد اکبرین؟ اسلام شناس، دین پژوه

## عدو شود سبب خیر!

در جهان چه بسیار اتفاق افتاده است که دیوانگان تاریخ ساز شده اند. پیرمردی به نام خمینی بزرگترین چراغ های روشنفکری را نه تنها در ایران و خاورمیانه، بلکه در جهان روشن نمود.

خمینی به تنهایی توانست نه فقط تمامیت اسلام را زیر سؤال ببرد، بلکه با رفتار و گفتارش فاتحه هر چه دین در جهان است را هم بخواند. خمینی نه تنها مسلمانان بلکه همه مردم جهان را دین گریز کرد، اگر چه گروهک های داعش و طالبان و مجاهدین دست نشانده ی غرب می باشند اما از دل تفکرات خمینی بیرون آمده اند.

خمینی به تنهایی موفق شد تمام دست آوردهای اسلام، پیامبر، امامان و دانشمندان اسلامی را نابود کند و رنسانس ضد دینی را پایه گذاری کند.

بلوای سال ۱۳۵۷ یک نعمت بزرگ تاریخی برای مردم ایران شد، اگر چه با ویرانی کشور ایران نیز مواجه گردید. ولی در نهایت بنیان اسلام را از بیخ کند و بیداری آفرید.

خمینی برای کشور ما یک ضرورت تاریخی محض به معنای فلسفی آن بود. فلسفی از این رو که به توده ی مردم یاد داد برای هر چیزی در پی منطق و استدلال باشند. از این رو مردم ترجیح دادند قرآن را فقط با صوت زیبای قاریان، فاسد گوش نکنند و کمی هم به معنای فارسی آیات بپردازند.

چنین بود که مردم تازه فهمیدند دین اسلام بیشتر دین قتال، جنگ، غنیمت، اسیر، جزیه، بریدن سر و دست، قصاص، دیه، تنبیه بدنی زنان و مجوز تجاوز به انسان های مظلومی به نام کنیز است. مردم با خمینی فهمیدند، شهوت رانی، حتا با دختران شیرخواره، شایعه نبوده و خمینی و سایر بزرگ عمامه دارها این دستور شنیع و شرم آور را همه در رساله های خود تبلیغ کرده و نوشته اند. خمینی کمک بزرگی به جوانان ایران کرد تا چهره کریه و عریان اسلام واقعی و مسلمانان بر همگان آشکار شود. خمینی یک نعمت بی مثال بود که به مردم آموخت هر گنبد و بارگاهی مقدس نیست بلکه دامی است برای خالی کردن جیب مردمان، فقیر، چراغی را که خمینی سر راه ایرانیان به ویژه نسل های آینده روشن کرد، بزرگترین اندیشمندان ایرانی طی قرون گذشته نتوانستند روشن کنند.

پسران ما پیش از آمدن خمینی فارغ التحصیل دانشگاه هاروارد می شدند اما برای ازدواج استخاره می کردند! دختران ما دانش آموخته بهترین دانشگاه های اروپا بودند اما برای پیدا کردن شوهر سفره ای ابوالفضل پهن می کردند. خمینی این تضادهای بین تفکر سنتی و مدرنیته را با کارهای غیر عقلانی اش مانند آن جا که گفت اقتصاد مال خر است، دانشگاه فاحشه خانه است و غیره از جلوی پای ایرانیان برداشت و خدمت بی ماندی به بشریت کرد.

## دکتر مسعود نقره کار

## از محله آرامنه و جهودها\* تا چهار راه ادیان

میهن ماسرزمین عجایب، چندگانگی و نوبرانه هاست. حتا در جنوب پایتخت اش، شهر تهران، با ساخت و بافت مذهبی و شیعی، نوعی مدارا و پلورالیسم دینی «رفتار مسالمت آمیز» وجود داشت. پیروان ادیان گوناگون در محله ها و بازارها در کمال آرامش در کنار هم زندگی می کردند، آرامشی که فقط تمامیت خواهی سیاسی، مذهبی و فرقه ای آن را بهم می زد.

بیش از هر کس و جریانی آخوندها و روحانیت بودند علیه پیروان ادیان دیگر ستمگری روا می داشتند و مردم را آشکار و پنهان به آزار و اذیت و طرد آنان ترغیب و تشویق و تحریک می کردند. حتا تخریب بنای حظیره القدس بهائیان که دربار، و آخوندها (سپهبد نادر باتمانقلیج و آخوند فلسفی) مرتکب شدند به تحریک آخوندها بود. از قدیمی ترین میدان های تهران «میدان کهنه چین ها» بود. این میدان نزدیک دروازه قدیم شهر ری بود که اکثر اکلیمی بودند. در میدان کهنه چین ها، لحاف پاره، تشک پاره و قباهای پاره روی هم انباشته بود. برخی این کهنه ها را با چاقو ریشه ریشه و بعداً وزن می کردند و برای کف گیوه یا مشعل گرز برای روشنایی شب ها می فروختند.

از دیگر اجناس رایج این میدان بقچه تکه و رویه لحاف صد تکه بود. به این ترتیب که زن ها صد تکه پارچه رنگارنگ را با رعایت ذوق و سلیقه به هم می دوختند و از آن رویه لحاف یا یک بقچه درست می کردند.

تهران بازار و محله جهودها (سه را سیروس و خیابان سیروس)، محله آرامنه، بازار زرتشتی ها، بازار قماش فروش ها و... داشت که بیشترین مشتریان آن ها مسلمان ها بودند. «جواد جهود» پارچه فروش (قماش فروش) میدان خراسان را که نبش خیابان بی سیم نجف آباد (طیب) پارچه فروشی داشت، اهل محل به ویژه دخترکان جوان، بیش از سایر کسبه دوست می داشتند، هم خوش مشرب و مهربان بود، هم ارزان فروش و هم خیلی خوش پوش و خوش تیپ.

بیشترین مشتریان «بنگاه های شادمانی» خیابان سیروس نیز مسلمان بودند. مسیوهای مسیحی کلی کشته مرده داشتند، به ویژه از جامعه روشنفکری و اهل هنر و قلم که با نوشابه های الکلی و گوشت خوک مسئله ای نداشتند.

در کنار محله ها و بازارهایی که پیروان ادیان مختلف با آرامش زندگی و

کسب و کار می کردند، نادره پدیده ی دیگری در میهن مان وجود داشت، یعنی چهار راه ادیان در قلب تهران که محل تلاقی خیابان سی تیر (قوام السلطنه سابق) با خیابان های جمهوری و میرزا کوچک خان است. خیابان و چهار راهی که نیایش گاه های ادیان گوناگون، مسجد، کنیسه، آتشکده و کلیسایی با قدمتی بیش از خود خیابان را در یک جا جمع کرده است. مسجد ابراهیم خلیل الله، کنیسه حیم، کلیسای مریم مقدس، کلیسای پطروس، موزه اسقف آرداک مانوکیان، دبیرستان فیروز بهرام و آتشکده آدریان، همه در یکی از «پلورال» ترین چهار راه های جهانند. \*جهود خواندن یهودیان را بسیاری نادرست و توهین آمیز می دانند. من به یاد ندارم در ایران جهود خواندن یهودیان باعث رنجش آن ها شده باشد. در این یادداشت محل ها به همان نامی که خوانده می شدند و یا ثبت شده اند آمده است.

**بازی روزگار - کوسه در آب غرق می شود، رفسنجانی. ابراهیم در آتش می سوزد (رئییسی در سقوط هلیکوپتر) و قاضی در دادگاه اعدام می شود (مقیسه و رازانی).**

**جوانان خانواده، به جای بوسیدن سنگ قبر پدر و مادران، امروز و هر گاه شد دست شان را ببوسید و هرگز در خانه سالمندان تنها رهایشان نکنید.**

دکتر احمد ایرانی

مانده از شماره پیش

محسن خیمه دوز - تهران

## شکست اقتدار اسلام سیاسی

## حقایق درباره یهودیت - مسیحیت - اسلام

این نوشته دو روز پیش از نخستین مذاکره بین ایران و آمریکا در تهران نوشته شد و در فیس بوک نویسنده منتشر شد.

مذاکره با آمریکا چه انجام بشود چه نشود، چه به سود ایران برگزار شود، چه به زیان ایران، پایان اقتدار اسلام سیاسی در ایران و خاورمیانه است. شکست اقتدار سیاسی با فرو ریختن دیوارهای مقاومت «حزب اله لبنان، سوریه، حماس فلسطین، حوثی یمن و حشدالشعبی عراق» آغاز شد و به اجبار به مذاکره با آمریکا پایان یافت.

طرفداران اسلام سیاسی پی در پی در حال پاک کردن شعارهای مرگ بر آمریکا از در و دیوار شهر و دیوار سفارت آمریکا هستند، شعاری که چهار دهه طول کشید، وقت ها، انرژی ها، پول ها و جان ها به هدر رفت تا حکومت و طرفدارانش در قدرت و در کوچه و بازار بفهمند که چه شعار مبتذلی بوده است (همان راهی را که کوبا هم رفت).

اگر امروز حکومت نمی تواند مستقیم مذاکره کند، نه از اقتدار او که از بی اقتداری اوست. مذاکره مستقیم نیازمند داشتن سفارت و ارتباط در هر دو کشور است. و ایران با خیریت سیاسی سال ۵۸ در اشغال ابلهانه سفارت آمریکا و قطع کامل رابطه دو جانبه، پیشاپیش اقتدار خود را در مذاکره از بین برده است. و به همین دلیل باید تن به حقارت مذاکره در کشورهای دون پایه خاورمیانه بدهد و مضحکه جهانیان شود. مقایسه کنید با اقتدار زلنسکی که در کاخ سفید، به مذاکره دعوت شد نه در یک دفتر کشور عمان، و در همان جا جلوی چشم جهانیان ترامپ و پوتین را به چالش کشید. شکست اقتدار اسلام سیاسی علت دیگری هم داشت، نقد حکومت در فضای مجازی در زمانه ای که فضای واقعی فاقد نقد به حکومت بوده است. جنبش اعتراضی، انتقادی ۱۴۰۱ زن، زندگی، آزادی، محصول همین فضای مجازی بود و قانون مبتذل حجاب اجباری را که محصول اسلام سیاسی است به چالش کشید و بی اعتبار ساخت. و این دومین عامل شکست اقتدار سیاسی توانست از قدرت سرکوب حکومتی بکاهد. اینک ایران پس از شکست اقتدار اسلام سیاسی، دیگر نه خدای دهه شصت و هفتاد را دارد، نه توان سرکوب مردم را.

شکسته شدن این اقتدار کاذب سرکوبگر، یک عبور موفقیت آمیز از یک تونل وحشت و سهمگین است. باشد که نسل های آینده بدانند، آن ها از درون چه تونل وحشتی بیرون آمده اند، چه کسانی آن ها را رهانیدند و چگونه باید راه را ادامه دهند، تا به ایرانی آزاد برسند، به حکومتی مدنی و جامعه ای مقتدر. نه حکومتی سرکوبگر و جامعه ای متلاشی.

۵۱- توانایی های حیرت انگیزی که در قرآن به داوود، شاه یهود، نسبت داده شده همگی جعلی هستند. قرآن می گوید در یکی از جنگ های سلیمان، لشگری از جن ها او را یاری دادند، که در هیچ یک از کتاب های یهودیان چنین داستانی نوشته نشده است.

۵۲- بنا بر روایت قرآن، ذوالقرنین موفق می شود خود را به محل برخاستن و فرو نشستن خورشید برساند!

۵۳- محمد بنیادگذار اسلام از دلیل تغییر شکل ماه بی خبر بوده، او تصور می کرده خورشید در زمین طلوع و غروب می کند و از اختلاف شدید طول مدت روز و شب در سرزمین های گوناگون بی خبر بوده است.

۵۴- از نوآوری های عجیب مذهب شیعه می توان از صیغه، تقیه (پنهان کاری)، ولایت فقیه و مزایای سیدها یا اولادان پیامبر، به ویژه درگدایی، نام برد.

۵۵- اسلام تنها دینی است که به جن اعتقاد شدید دارد، قرآن می گویند جن ها نیز پیامبر دارند، سرچشمه اندیشه وجود جن از افسانه های بابلیان و فی نی قیان به اسلام راه یافته است.

۵۶- بنا بر نوشته های قرآن در جنگ اُحُد در دوران پیامبر اسلام ۳۰۰۰ فرشته، مسلمانان را در جنگ با کافران یاری داده اند.

۵۷- در قرآن نوشته شده است که عیسی نوزاد در درون گهواره حرف زده است. این موضوع در مسیحیت وجود ندارد و یکی دیگر از جعل های قرآن است.

۵۸- در قرآن از قول عیسا گفته شده است که پس از او پیام آوری می آید که نامش «احمد» است، این نوشته قرآن هم دروغ است و جعلی، عیسا چنین حرفی را نزده است.

۵۹- سرچشمه دستور بریدن دست دزد در اسلام، قوانین یهودیت است. قوم یهود نیز این دستور را از قوانین حمورابی در ۱۸۰۰ سال پیش از تولد عیسا تقلید کرده است که امروز انجام نمی دهد.

۶۰- یکی از ویژگی های مسیحیت و اسلام هدف جهان گشایی و حکومت بر سایر ملت ها است. پایان

**جهنم خردمندان، خوش تر است  
از بهشت بی خردان. ویکتور هوگو**

## آیا به راستی ما ملت بزرگی هستیم؟

هیچ فرد هندوستانی نادرشاه را ستایش و پرستش نمی کند، هیچ اروپایی هیتلر را مدح و ستایش نمی کند و نام فرزند خود را هیتلر نمی گذارد. هم چنان که خشایارشا منفورترین چهره در یونان و اروپاست. هیچ فلسطینی از غزه با اسرائیلی ها سرسازش ندارد، هیچ اوکراینی روسیه را دوست نمی دارد. نام هایی را که بردیم وسایر جنگ آوران برای مردمان سرزمین خویش قهرمان و قابل ستایش اند. برای مردمان دیگر ماجراجو، شکست خورده، منفور و جانی و تجاوزگرند و دشمن.

ولی ما ایرانیان با همه فرق می کنیم، ما تنها ملت شکست خوردگان مفلوک تاریخ هستیم که متجاوزان به خاک و ناموس و نیاکان خود را احمقانه ستایش و پرستش می کنیم. برگور آن ها نوحه می خوانیم و بر مرگشان شیون می کنیم. آن ها را بزرگ می دانیم و از جنازه شان طلب شفاعت و بخشش و کرامت داریم.

ما ایرانی ها تنها ملتی هستیم که گور متجاوزان به نوامیس مان را نقره کوب و طلا پوش می کنیم ولی یک در آهنی ساده هم بر در گور ویرانه اسطوره های میهن مان نصب نمی کنیم تا در گوشه و کنار روستاها و شهرها از بین بروند و باد و باران ویران شان کند. و نام های مان بیشترش نام همان قاتلان و چپاولگران و متجاوزان و دشمنان است و همت نداریم که نام های آن ها را عوض کنیم و به توالبت بیندازیم. ستمی را که ۱۴۰۰ سال مردم ما از همان نام ها دیدند و هم چنان گرفتارش هستند ده ها شاهنامه خواهد شد.

## خالق انسان خدا نیست، زن است

پرسیدند که آیا دریا زن است یا مرد، پرسشی که پاسخ آن در خودش نهفته است. دریا نام دختر است. وقتی که به بالا نگاه می کنیم، آسمان است و خورشید، ستاره، ستاره های ناهید، زهره، مهتاب و باران، همه این ها نام زنان ما هستند.

به دریا نگاه می کنیم، مروارید، صدف، موج، پری، همه نام خانم هاست. به باغچه زیبای منزلتان نگاه کنید. شبنم، نسترن، رُز، نرگس، یاس، مریم، مینا، نیلوفر و لاله همه نام زنان را دارند.

به دشت و صحرا بنگرید، آهو، غزال، بلبل، طوطی، گلشن زیباترین ها همه نام زنان ما هستند. به دل کوه ها نگاه کنید، طلا، نقره، الماس، یاقوت، فیروزه هم نام خانم هاست. به بدن انسان بنگرید، گیسو، کمند، نفس، جان، طناز، ماه رو، نام هایی است که بر زنان می گذارند. خود «دنیا» هم نام خانم ها است.

ایرانیان صاحب چنین فرهنگ غنی و قوی و افتخارآمیز هستند که با خردگرایی تمام نام های موجود در طبیعت را که به نوعی با زیبایی و

ظرافت و اهمیت روحی، روانی بستگی دارند بر روی دختران خود که مادران آینده هستند می گذاشتند و می گذارند، افسوس که با آمدن عرب ها به کشور ما نام بسیاری از زنان بی گناه ما شد خدیجه، زینب، فاطمه، زهرا، سکینه، رقیه، سکینه سلطان.

نام کشور زیبا و ارزشمند ما هم «ایران» است که نام خانم ها می باشد.

## فاجعه ادامه دارد

از فیس بوک: دکتر مسعود نقره کار

ناباورانه و تکان دهنده است، خودکشی هنرمندان «در سایه حکومت مذهبی اسلامی» رو به افزایش است. خودکشی کسانی که تصور شده است، بیش از دیگران می باید ستایشگر زندگی و گریزان از مرگ، و آفرینشگر واقعیتی صیقل خورده و تلطیف شده و زدوده از رنج های انسان باشند. از هنگام انتشار کتاب پژوهش «خودکشی هنرمندان - تراژدی رنج های خلاق که در سال ۲۰۲۱ بهار ۱۴۰۰ نوشته و منتشر شد، تاکنون سیاهه بلندی برنامه های صدها تن از هنرمندانی که خودکشی کردند و در آن کتاب به آن ها اشاره شده، افزوده شده است. از تازه ترین خبرهای دردناک، خبر خودکشی هنرمند حامد صفایی است، از چهره های خلاق سینمای میهن مان. بازیگر، کارگردان، نمایشنامه نویس و فیلم ساز. وهمین روزها خبر دردناک خودکشی اش را شنیدیم. در اندیشه و غم از دست دادن او بودیم که امروز خبر دردناک دیگری منتشر شد، شیوا ارسطویی شاعر، نویسنده و دانش آموخته رشته زبان در تهران خودکشی کرده است که بزودی در باره او بیشتر خواهیم گفت. (گفتار دکتر مسعود نقره کار در مورد این بانوی هنرمند، در رادیو همراه پخش شد).

**مذهبی تر، متعصب تر، خرافاتی تر و  
اسلامی تر از آخوندها در ایران ملت  
تبدیل شده به امت ما هستند که زیر  
هر منبر یک آخوند، پانصد ششصد نفر از  
هم میهنان ما هر شب و هر روز در هر  
مسجدی که هزاران اش در ایران است  
می نشینند و از شنیدن یک داستان  
تکراری کربلا برای بار هزارم غش و  
ریسه می روند!**

## نخست ایرانی ام - سپس گُردم

استاد اسد چراغی شاعر گُرد یارسان

نه وه ل ئیرانی دووُم کورد وکم  
قوم قه و م ته و انای هزار بلووکم  
من شاعر کورد، کوردی زوانم  
رووله ی ره ئوف خاک ئیرانم  
ئاریائی نژاد - به رزه نشینم  
مه رزه بان خاک ئیران زمینم  
سه ر تاسه ر ئیران ینشتمانمه  
زات بی زه وال حه ق میهمانمه  
وه ته ن به ره ستیگ خاوه ن به قینم  
نژاد کاوه ی ئیران زمینم

## میهمانان دوست داشتنی

در زیر یک کلیپ فضای مجازی، عکس هواپیماهای بمب افکن جدید آمریکا را که به جزیره ای نزدیکی های ایران، به نام جزیره «دیه گوگاریسیا» برده اند نوشته است: از موقعی که این بزرگواران (هواپیماها) آمدند جزیره «دیه گوگاریسیا» اصلاح طلبان و اصولگراها طوری حرف می زنند که انگار از پدر جدشون «سکولار» بوده اند و سرداران سپاه می روند زیارت تخت جمشید و پاسارگاد، علما و مراجع مشغول جمع آوری احادیث و روایات در مورد جایگاه والای کورش و داریوش و خسرو پرویز در درگاه خداوند هستند حوصله کنید کم کم از بی حجاب ها هم تقدیر خواهد شد.

میهمانان غول پیکر اگر یه کم دیگر توی این جزیره مانور بدهند و تشریف داشته باشند، مطمئن باشید قمارخونه و بار و ... هم دوباره باز میشن. خلاصه به اندازه ای که این بزرگواران آهنی دارند تغییر ایجاد می کنند و منشا خیر و برکات می شوند، احزاب سیاسی، اپوزسیون و هیچ کسی در این ۴۶ سال نتوانست تغییر ایجاد کند.

**مسلمان های ما برای ماندگاری اسلام**

**حاضر به دادن جان هستند ولی برای**

**ماندگاری ایران یک گام هم برنمی دارند.**

ایران یکی از نادر کشورهای دنیاست که تاریخ تاسیس ندارد. نه کوهش، نه دشتش، نه رودش و نه دریا و دریاچه و شاخابه اش به هیچ کشور دیگری تعلق ندارد. جدید و ساختگی نیست. چون زمانی که ما به این خطه در آغاز تاریخ پای گذاشتیم نه روسیه ای بود، نه کشوری بنام عربستان و کویت و قطر و ....، نه پاکستانی و افغانستانی بود، ولی ایران با همین نام از ابتدای تاریخ همین جا بوده و خواهد بود. به همین دلیل است دریای شمالش دریای خزر یا مازندران نام داشت نه دریای روسیه و شاخابه جنوبش شاخاب فارس «خلیج فارس» بود نه خلیج عربی که از روز آغاز پدران ما بخاطر این دو منبع بزرگ آبی در شمال و جنوب و رود هیرمند در شرق کشور این خطه از زمین را انتخاب کردند و آن را ایران نامیدند. کهن تر از هر قوم و زبانی که در گوشه و کنارش، شمال و جنوبش و شرق و غربش و مرکز آن زندگی می کنند، ابتدا گل خاک ایران بوده است، او مادر همه ایرانیانی است که در هر گوشه این خاک، خودشان یا پدر و مادرشان زاده شده اند. همه ما خیلی پیش از این که آذربایجانی باشیم، بلوچ باشیم، کرد و لر و فارس و غیره باشیم فقط ایرانی هستیم، اگر می خواهیم بمانیم فقط باید به ایرانی بودن خود بنایم پیش از این که به چه دسته ای از ایرانیان تعلق داشته باشیم. البته که ما به خانه و محله و شهر و زبان خود علاقمندی شدید داریم اما پیش از آن به شدت عاشق میهنی هستیم که ما از خاک و آب و هوایش ساخته شده ایم. ایران مادر ماست. هیچ انسانی به مادر خود خیانت و خطا نمی کند.

س-ل

## مریم خالقی

## بخورید این گوشت من است

تنوع در آیین های قربانی کردن انسان در گذشته به قدری زیاد بوده که معلوم نیست این آیین ها چگونه یک مرتبه غیب شدند. (در روم باستان قاتل را در گونی همراه با یک حیوان وحشی قرار داده به دریاچه ای می انداختند تا غرق شود. یا گلا دیاتورها را می کشتند که شایع بود خون گلا دیاتورها خواص درمانی برای درمان صرع دارد. قربانی کردن انسان به اشکال گوناگون در گذشته ها وجود داشته است). اینک ظاهراً به جای قربانی کردن انسان، حیوان را در انجام این امر انتخاب کرده اند. میش به جای اسماعیل / اسحاق، قوچ زرین پشم جای فریکسوس و گوزنی به جای ایفی ژنی قربانی شدند.

آیین قربانی کردن انسان، امروزه به ویژه نوعاً، در فلسطین با قوت اجرا می شود. این منطقه در فلسطین یکی از قدیمی ترین مناطق اجرای آیین قربانی کردن انسان بوده است که پسران و دختران خویش را برای دیوها قربانی می کردند، یعنی خون پسران و دختران خود را برای بت های کنعان ذبح می کردند و زمین از خون آن ها رنگین می گردید (مزمیر داوود، فصل ۱۰۶ آیات ۳۷ و ۳۸). آنچه نویسنده می گوید درباره فلسطینیان باستان است که ربطی به فلسطینیان امروز ندارد. انسان در گذشته با بریدن سر هم نوع خود به اوج شادی یا سوگواری می رسید. انسان تنها موجودی است که در برابر کشته شدن هم نوعش چه بالای دار باشد یا به صلیب کشیده شود احساس خوشحالی و رضایت می کند، انسان تنها جانوری است که از کشتن هم نوع خودشاد می شود و لذت می برد. جمهوری اسلامی وکل هوادارانش همه از کشته شدن افرادی مانند فرخزاد و بختیار و اویسی خوشحال شدند، مخالفان رژیم نیز همه از کشته شدن قاسم سلیمانی شادمان شدند، تماشاگران بسیاری در سراسر جهان، به انتظار پرده بعد نشسته اند. جمع کثیری از آن ها که پشتیبان آرمان فلسطینی اند فقط در معنایی دور در این آیین مشارکت دارند، آن ها فقط خیلی متأثرند و نمی توانند آن چه را در آن جا صورت می گیرد نادیده بگیرند. همین و همین اما کاری برای مانع شدن از کشته شدن ها انجام نمی دهند و البته خیلی ها هم از کشته شدن آن ها ابراز خوشحالی می کنند.

کار بست واژه «وحشی» برای مجریان اعمالی که در جریان آن، انسان را قربانی می کند، موحی از مخالفت ها را موجب شد، نه فقط از ناحیه مسیحیان خجالتی و غیر خجالتی که فهمیده بودند، مقدس ترین آیین شان، آیین مصلوب شدن یا مصلوب کردن مسیح تجلی بارز وحشی

گری انسان است. و هیچ انسانی این اعتراف را خوش نمی آید که بگویند انسان وحشی ترین موجودات یا حیوانات است. بسیاری از ایرانی ها قاسم سلیمانی تروریست معروف را که باعث کشته شدن هزاران جوان در سوریه و عراق و یمن و حتی ایران شد، یک عارف می نامند.

آیا عرفا هم تکه تکه شدن گوشت و استخوان انسان ها را دوست می دارند؟ نه گمانم، چون سلیمانی عارف! لذت می برد از این که مخالفان بشار اسد را می کشد و جوانان مخالف رژیم اسد را به گلوله می بست و سپس به نماز می ایستاد. آرمان های ما بیشتر باعث ریخته شدن خون انسان ها می شود. جهان بدون آرمان فلسطینی، آرمان صدور انقلاب اسلامی و آرمان های دیگر مانند این ها جایی امن و سرخوش است. با آرمان هایی مانند آرمان فلسطینی است که خون ها به جوش می آید، سرها بریده می شود و ملت ها خانه بدوش و عزادار ابدی می گردند. آیین های قربانی کردن انسان از دوران های بسیار دور گذشته همچنان با ما بوده و خواهد بود. خوی وحشی کم می شود اما پایان نمی پذیرد. رسد آدمی به جایی که، دست از قربانی کردن بر نمی دارد که نمی دارد!

## مقدسات ما!

آیت اله قزوینی در فضای مجازی روی منبر سخن می گوید: عمر رفت به عباس عموی پیغمبر گفت اگر علی به من دخترش را ندهد ولله دو تا شاهد دروغین درست می کنم که علی دزدی کرده دست علی را قطع می کنم. علی هم با اصرار عباس دختر خردسالش را به عقد عمر در آورد. البته آنچه که هست مرحوم نوبختی صراحت دارد بر اینکه عمر وقتی که با دختر علی ازدواج کرد با دختر نزدیکی نتوانست بکند، قزوینی ادامه می دهد، حالا یا دختر کوچک بوده، یا جناب عمر زوارش دررفته بوده من نمی دانم چرا... این مردک بنام قزوینی سید است، عمامه دار است، آیت اله است، از برکت سر علی به همه چیز رسیده است، از برکت سر علی به حکومت رسیده است ولی ذات خبیث او نمی تواند سر زندگی افراد را محترم بداند و آبروریزی نکند، بالای منبر برای جمعیتی که در پای منبرش موج می زنند این حرف ها را می زند و خجالت هم نمی کشد و شعورش نمی رسد که آبروی جدش را می برد!

**اسلام مردم ما را از ریشه خشکانید، او را  
موجودی ساخت بی اراده و برده آخوند.**



## سرباز گمنام

حتما بخاطر دارید که چند بار نوشتیم مدتی است که «بیش از دوسه سال» هم میهنی کسری مادی انتشار بیداری را به عهده گرفته و اجازه نداد بیداری کارش پایان بگیرد. چند بار که خواستیم پایان انتشار بیداری را اعلام کنیم آن هم میهن با شرف که هرگز شانس دیدارش را نداشتیم، می گفت تا من هستم نمی گذارم بیداری به تعطیلی بیفتد. از بد روزگار پس از سه سال گویا دم و دستگاه کار ایشان گرفتار یک «سو» ی ناجوانمردانه بزرگ از طرف یک کمپانی آمریکایی شده و این ماجرا هم گرفتاری اش به آسانی حل شدنی نیست. و به احتمال زیاد اجبارا ما از یاری آن ایران دوست بزرگوار محروم شده ایم. ولی هرگز نمی توانیم بزرگی و گشاده دستی بی مانند آن انسان بی نظیر را که بعد ها متوجه شدیم هر چه در می آورد به سازمان های گوناگون و خانواده زندانیان سیاسی در ایران هر ماهه کمک می کند بدست فراموشی بسپاریم. ایکاش اجازه دهد یک بار نام نازنین اش را برای ثبت در تاریخ بنویسیم از سرباز گمنام و همسر ارجمندشان برای همه یاری هایشان تا ابد سپاسگزاریم. و برایشان آرزوی رهایی و پیروزی در مشکل اقتصادی که پیدا کرده اند داریم. خواهش می کنم نگران بیداری نباشند. خوانندگان ما جبران خواهند کرد.

## به آقای ترامپ می گوئیم:

این کشورهای دور و بر خلیج پارس از تجزیه و ترکیب کپر نشین ها و بادیه نشین های قومی در سال ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ در پی بیرون رفت انگلیس از خلیج پارس تشکیل شده اند.

امارات متحده عربی از ترکیب هفت امیر نشین بنام های ابوظبی، دوبی، شارجه، عجمان، ام القواین و فجیره تشکیل شده است، که در دوم دسامبر سال ۱۹۷۱ باهم توافق کردند و امیر نشین هفتم راس الخیمه است که در فوریه سال ۱۹۷۲ به آنان پیوست. این امیر نشین ها در پی بیرون رانده شدن انگلیس توسط دولت شاهنشاهی و با پایان داده شدن به توافقنامه منطقه ای که بین بریتانیا و امیرنشینان بود بوجود آمدند. امیرهای شش کشور آغازین امارات متحده در جولای ۱۹۷۱ تشکیل یک اتحادیه منطقه ای دادند و این کشورها بنام امارات متحده عربی خوانده شد. این امیر نشین ها سپس بصورت فدراسیون باهم تشکیل فدراسیون کشور های عربی را داده اند.

خود کشور عربستان سعودی در جنوب خلیج پارس بنا به نوشته دانشنامه بریتانیکا در سال ۱۹۳۲ همان زمان که لورنس عربستان در پی

تجزیه کشور عثمانی بود در ۲۳ سپتامبر آن سال شناخته شده است. کپر نشین و امیرنشین ها و قوم هایی که در خاک عربستان بصورت قبیله ای زندگی میکردند و پس مانده های محمد و اسلام بودند و مهمترینشان در حجاز و نجد بودند از سالهای پس از جنگ جهانی نخست وابسته به کمک بریتانیایی ها بودند توافق کردند در یک توافقنامه متحد بشوند و پادشاهی عربستان سعودی را تشکیل بدهند. این اتحاد سپس به دیگر قبیله نشین های خاک و سرزمین بی آب و علف سرایت کرد. اما حجاز ازاینکه مستقل باشد دست بردار نبود. ولی موضوع پادشاهی و خانواده دربار و برتری فامیلی مردمان آن قبیله را از جدا شدن وامیداشت. بریتانیایی ها میخواستند پادشاه این سرزمین یک پادشاهی مستبد و مطلق باشد و هنوز هم این روش با سفارش بریتانیا ادامه دارد. در سال ۱۹۳۳ این اقتدار در فامیل «سعود» به بالاترین میزان رسید و کشور بنام «سعودی» خوانده شد.

خاک این شبه جزیره عرب نداشت، خانواده های عرب در یمن زندگی میکردند. پس از تشکیل دولت پادشاهی با کمک بریتانیا از ترکیب قبیله نشینان سرزمین کویری یمنی ها در باره خط مرزی با ابن سعود مشکل پیدا کردند. جنگی بین آن دو روی داد. دلیل دیگری که بریتانیا اصرار میورزید ابن سعود با یمنی ها بجنگد کمک هایی بود که یمن به عصبی ها که مخالف ابن سعود بودند میکرد. سعودی ها با کمک های پنهانی انگلیسی ها در هفت هفته جنگ مرتب در جنگ و گریز ها برنده میشدند ولی ناچار توافق نامه ای با تیتو توافقنامه الطایف دو طایفه را به صلح وادار کرد.

این کشور تازه روابط خوبی با مصری ها و خاندان پادشاه مصری «فواد» نداشت و حاجی های مصری را به کشور راه نمیدادند تا آنکه ملک فواد مصری در سال ۱۹۳۶ درگذشت.

مرز های بین عربستان و مصر با کشورهای دیگری که انگلیس از تجزیه سرزمین عثمانی بوجود آورده بود در سال ۱۹۳۰ آغاز شد. در روش اداری قبیله ای در سرزمین عربستان (امروز ما عربستان میخوانیم) خط مرزی معنی نداشت و هر قبیله بر قبیله دیگر برتری جنگی و هجوم و غارت داشت میتوانست از آب و خاک آن بخش بدست آمده بهره ببرد. همان روشی که در ۱۴۰۰ سال پیش در دوران محمد هم رواج داشت. حمله، غارت، و بهره کشی از زنان و مردان بصورت برده و کنیز و غنائم.

بیشترین بخش مرزی بین عراق و کویت واردن بود که در سال ۱۹۳۰ بدست آمده و خط مرزی بین یمن و عمان دیرتر بدست آمد.

دیدار ابن سعود و فرانکلین روزولت در سال ۱۹۴۵ بر روی ناو «کوینسی» داستان بسیار جالبی دارد که ابن سعود گوسفندی برای قربانی آورده بود و روزولت پیروز جنگ جهانی دوم بود با امیر عربستان که بیطرفی خود را در جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) حفظ کرده بود دیدار میکرد. بریتانیا



◀ و آمریکا بجای آنکه همانند حمله به ایران برای رساندن کمک به روسیه وارد ایران که اعلام بیطرفی کرده بود شده بودند مراقب عربستان سعودی بودند. این کمک ها موجب شد امیر نشین عربستان که به کمک انگلیس به دولت پادشاهی مبدل شده بود وارد سازمان ملل بشود. همین روش در باره تکه کوچکی که بنا بود کشور فلسطین را تشکیل بدهد ولی چون پس از جنگ انگلیس بسیار بی پول بود پیشنهاد ثروتمند بزرگ یهودی «روتچیلد» را در برابر دریافت پول پذیرفت و «مندیت» یا توافق نامه ای آن بخش از خاک را به یهودی ها داد. تا زمانی که آمریکا آن سرزمین را نشناخته بود؛ اسرائیل به ابزار دست انگلیس برای در تشنج نگاه داشتن خاورمیانه مبدل نشده بود. هردو کشور زاده جنگ جهانی نخست و دوم هستند که انگلیس برای منافع خود در خاورمیانه بوجود آورده است. ۴۶ سال است انگلیس با معرفی خمینی به کارتر میخواهد به تلافی بیرون رانده شدنش در پی مشروطه ایران و سپس بیرون رانده شدنش از سوی رضا شاه و محمد رضا شاه در سال ۱۹۷۰ جمهوری اسلامی را در پشت پرده در چنگال خود نگاهدارد. اینبار نمیخواهد مانند عربستان و اسرائیل آمریکا به ایران برگردد.

مسئله دین اسلام همواره سعودی ها را مخالف با دیگر کشورها که شیعه یا به تیره های اسلام جدا شده از بدنه اسلام باور داشتند نگاه میداشت. گرچه سعودی ها و دیگر کشورهای عرب زبان مسلمان ضد صهیونیسم بودند و در این نقطه باهم هم مرز بودند ولی اختلاف های آنان همواره مانع اتحاد کامل آنان شده است و این خواست انگلستان کم، کم به آمریکا هم سرایت میکرد. این امر موجب شد در سال ۱۹۴۸ جنگ عرب ها و اسرائیل بروز بکند. عربستان سعودی تنها یک گروهان نظامی در این جنگ وارد کرد. در اسناد انگلیسی، در اسناد سازمان ملل، در دانشنامه های همه کشور ها از جمله دانشنامه بریتانیکا از نام جعلی برای خلیج پارس بهره گرفته — میشود و مینویسند خلیج پارس.

این کوتاه تاریخچه تشکیل عربستان و کشورهای عرب همسایه ایران و خلیج پارس است. هزاران سالی که این آبراه خلیج پارس، شاخاب پارس، سینوس پرسیکوس، خوانده شده اصلا این کشورها وجود نداشته اند بیمورد ادعا نکنند و این را به آقای ترامپ و دارودسته اش گوشزد کنید. **امضا محفوظ**

## قانونی که در اتریش اجازه کمک به خودکشی (مرگ خود خواسته) می دهد.

براساس این قانون از افراد بالای ۱۸ سال که به بیماری درمان ناپذیر مبتلا باشند یا به علت بیماری دچار رنج غیرقابل تحمل هستند، اجازه

دارند تا روش خودکشی کمکی را برای پایان دادن به زندگی خود انتخاب کنند. این قانون صراحتا خردسالان یا کسانی را شامل نمی شود که از نظر سلامت روان مشکل دارند.

در مورد بزرگسالانی هم که می خواهند با این روش به زندگی خود پایان دهند باید تایید شود که توانایی تصمیم گیری دارند. پارلمان اتریش این قانون را در پی حکم دادگاه قانون اساسی تصویب کرد.

استفاده از این روش به شدت زیر نظر خواهد بود و در آن دو پزشک وضعیت فرد داوطلب مرگ را ارزیابی می کنند. یکی از این دو پزشک باید در زمینه تسکین درد متخصص باشد.

مقامات می گویند که دولت همچنین بودجه ای برای درمان های تسکینی اختصاص داده تا این اطمینان حاصل شود که در صورت وجود گزینه های دیگر، هیچ کس مرگ را انتخاب نکند.

مرگ خودخواسته، که در آن به فرد برای پایان دادن به زندگی کمکی می کنند، در سوئیس، همسایه اتریش، هم قانونی است.

در شماری دیگر از کشورهای اروپایی، از جمله اسپانیا، بلژیک و هلند هم استفاده از چنین روشی جرم نیست.

در اتریش، پس از تاییدیه دو پزشک، بیمار باید ۱۲ هفته منتظر بماند و در مورد تصمیم خود فکر کند. این زمان در مورد بیماران غیرقابل درمان دو هفته است.

چنانچه بیمار پس از این دوره انتظار همچنان بخواهد که به زندگی خود به این روش پایان دهد، می تواند به یک وکیل یا دفترخانه اسناد رسمی اطلاع داده و پس از آن داروهای کشنده را از داروخانه ها تهیه کند.

برای جلوگیری از سوءاستفاده، اسامی داروخانه هایی که این داروها را می فروشند تنها در اختیار وکیلان و دفاتر اسناد رسمی قرار داده شده است. نباید درباره این داروخانه ها هم تبلیغات شود.

تاکنون بر اساس قوانین اتریش، هر فردی که دیگری را وادار به خودکشی می کرد یا در آن به او کمک می کرد، با مجازات تا ۵ سال زندان روبرو بود. قبل از تصویب این قانون جدید در پارلمان اتریش، بعضی از مخالفان استدلال می کردند که این قوانین موانع زیادی بر سر راه کسانی قرار می دهد که به دنبال کمک برای از بین بردن خود هستند.

برخی دیگر هم گفته اند که ارزیابی روانپزشکی برای سنجیدن توانایی تصمیم گیری بیماران کافی نیست.

**پرسیده اند «تعصب» به فارسی چه**

**میشود؟ تعصب به فارسی می شود «کور باوری»**

**آدم متعصب می شود «آدم کور باور»**

## امام جدید آمریکایی

کشیش های رده بالایی که از سراسر جهان به واتیکان آمده بودند «لئون چهاردهم» با نام اصلی «رابرت پرووست» را پس از مرگ پاپ قبلی، به عنوان پاپ جدید انتخاب کردند. او دویست و شصت و هفتمین رهبر کلیسای کاتولیک می باشد که برای نخستین بار از آمریکا انتخاب شده است. در مسیحیت کشیش ها معمولاً مجرد می باشند و نمی توانند زن بگیرند ولی همیشه این طور نبوده. نخستین پاپ به نام پطرس مرد متاهلی بوده، در انجیل آمده که عیسا مادر زن او را شفا داده. در سال های اولیه اسقف ها، کشیشان اغلب خانواده دار بودند. در کتاب های مسیحیان آمده که ۳۹ پاپ نخست همه مردانی متاهل بودند. یکی از پاپ ها (الکساندر ششم از ۱۵۰۳-۱۴۹۲) مانند امام های مسلمانان به شدت به خاطر بی قیدی در روابط جنسی مورد انتقاد قرار گرفت.

از زمانی که کلیسا به قدرت و ثروت رسید، عصری از دسیسه های سیاسی هم آغاز شد. آن ها که طرفدار تجرد کشیشان هستند به خود عیسا مسیح اشاره می کنند که ازدواج نکرد. با وجود این رویدادها برخی از پاپ ها پیش از پذیرش مقام روحانیت، به طور قانونی ازدواج کرده بودند.

جان هفدهم و کلمنت چهارم پیش از پاپ شدن ازدواج کرده بودند و برخی دیگر روابط خارج از ازدواج داشتند و صاحب فرزند شدند.

الکساندر ششم پاپی بود که بیش از هر پاپ دیگری به خاطر روابط جنسی متعدّدش مورد انتقاد قرار گرفت و چندین فرزند نامشروع داشت.

مارتین لوتر، معتقد بود که تجرد اجباری می تواند به بی بند و باری جنسی کشیشان منجر شود. که سخن او درست بود و مرتباً اخبار تجاوز جنسی برخی کشیش ها را نسبت به کودکان و نوجوانان می شنویم.

خلاصه می کنم قشر آخوند، چه کشیش باشد چه حجت الاسلام و المسلمین چون هیچکدام از ته دل به خدا و روز جزا باور ندارند و می دانند این دروغ ها را خودشان ساخته اند همواره وقتی که به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند، کاری را که برای دیگران منع می کنند.

**ترجمه مطالب بیداری به انگلیسی کار آسانی نیست. امیدواریم از شماره بعد یک صفحه از بیداری را به انگلیسی پیشکش جوانان ایران کنیم.**

**کتاب دلخواه به بهای دلخواه را از لیست های اعلام شده سفارش دهید.**  
**۰۰۱۳ - ۳۲۰ (۸۵۸)**

## یک مومن و متدین و انسان واقعی

او کیست، او چند روز پیش اوائل ماه می ۲۰۲۵ در یک پست وبلاگی نوشت «پس از مرگم مردم چیزهای زیاد درباره من خواهند گفت»، اما نمی توانند بگویند فلانی کسی بود که «ثروتمند مرد».

او تا به حال صد میلیارد دلار (نه صد میلیون دلار) برای سلامت من و شما و پروژه های توسعه وضع زندگی انسان ها هزینه کرده است. به احتمال زیاد می تواند، دویست میلیارد دلار دیگر هم تا بیست سال آینده خرج کند.

او در همان پست وبلاگی به نوشته ای از «اندروکارنگی» سرمایه دار و نیکوکار اسکاتلندی-آمریکایی که مرد اول صنعت فولاد ایالات متحده بود اشاره می کند که گفته است: افراد ثروتمند وظیفه دارند ثروتشان را پیش از مرگ به جامعه بازگردانند. بعد خودش به نوشته اندروکارنگی اضافه می کند: اگر کسی ثروتمند از دنیا برود بی آبرو مرده است. این مرد بزرگ که بزودی تقریباً تمام دارایی اش را که یکی از ثروتمندترین مردان امروز جهان است به مردم خواهد بخشید کسی نیست جز حضرت عالیجناب «بیل گیتس» مرد خیری که تاکنون همان طور که گفته شد میلیاردها دلار از ثروت خود را برای بهبود وضع فقرا و بیماران جهان هزینه کرده است.

بیل گیتس این نابغه تکنیک و اقتصاد یکی از بنیان گذاران شرکت مایکروسافت است که می خواهد تا بیست سال دیگر ۹۹ درصد از ثروتش را به جامعه ببخشد. قبلاً خود و همسرش تصمیم گرفته بودند ثروت آن ها پس از مرگشان در یک سازمان خیریه بماند و در موارد لازم به این و آن کمک کنند. ولی تصمیم شان را عوض کرده اند که پیش از مرگ با سرعت بیشتری دارایی شان را ببخشند. ملیندا همسر سابق او هم که بانوی خیری است موافق بخشیدن ۹۹ درصد ثروتشان به جامعه بشریت تا سال ۲۰۴۵ بیست سال دیگر می باشند. آن ها فقط یک درصد از ثروت خود را برای فرزندان و بستگان خود خواهند گذاشت که همان یک درصد هم بنا به سازمان محاسباتی «بلومبرگ» بالغ بر میلیاردها دلار خواهد بود. قابل توجه ایرانیانی که نمی دانند با ثروت های خود چکار کنند و فقط به فکر فرزندان خویشند. هر کسی در حد خود باید این هنر، بزرگواری و انسانیت را داشته باشد تا فرزندان شان در جهان بهتری زندگی کنند.

**نسل های جوان جهان امروز، بهتر و بیشتر از سیاست مداران کشور خود جهان را می شناسند و آینده را می بینند.**

# بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

از خواندن این کتاب ها غافل نشوید

۱- اسلام شناسی - علی میرفطروس

۲- پژوهشی در زندگی علی - دالفک

۳- رخدادهای روز به روز انقلاب با نام کلیه اعدام شدگان

۴- روز اول قبر - صادق چوبک

۵- ۲۳ سال - علی دشتی

۶- دیوان کامل ایرج میرزا

۷- شعبان جعفری - هما سرشار

۸- شکست شاهانه - ماروین زونین

۹- کلیات مصور عشقی

۱۰- یادواره یک بچه قزاق - آیرملو

۱۱- منطق الطیر عطار

۱۲- زن در شاهنامه - خانک عشقی

رئیس جمهور نا آرام آمریکا چه درس  
تلخ ولی آموزنده ای به ملت های  
ایران و اسرائیل داد که دل بستن به  
بیگانه ندامت ها بار آرد.

ملت بزرگ ایران از این توفان و ترفند  
هم سر به سلامت برون خواهد آورد.

روزی خواهد رسید دو ملت باستانی  
ایران و اسرائیل در اتحاد با هم به  
یک ابر قدرت جهانی پیشرو تبدیل  
شوند و در دوستی با کشورهای  
منطقه به آرامش و سازندگی برسند.

بیداری را مشترک شوید

با ایمیل [bidari2@hotmail.com](mailto:bidari2@hotmail.com) تماس بگیرید.

بیداری های به صورت کتاب درآمده را سفارش بدهید

تا کمکی برای چاپ بیداری شود

۰۰۱۳ - ۳۲۰ (۸۵۸)

Prst Std  
U.S. Postage  
Paid  
San Diego, CA  
Permit No. 2129

BIDARI  
P.O. Box 22777  
San Diego CA 92192  
U.S.A.